کلام امروز

شماره 1034 – اطمینان دوباره

شبان پائول شرودر

غالباً پیش می یاد که زندگی های ما آشفته و گیج کننده میشه . چون به نظر میرسه که چیزهای زیادی به یکباره در زندگی ما فرو میریزه . آیا تا حالا براتون پیش اومده که در عرض یکی دو هفته یا یه ماه ، همه چیز توی زندگیتون و خانواده تون بهم بریزه ؟ شاید به خاطر بیماری یا به خاطر مرگ ، یا به خاطر ورشکستگی مالی و یا شاید وقایعی مثل طلاق و یا هر چیز دیگه ای که بوده و با خودتون فکر کردید ، آیا اوضاع دوباره بهتر خواهد شد . این میتونه برای مسیحیان هم پیش بیاد . به نظر میرسه همه چیز دست به دست هم میده و اونقدر بار روی ما انباشته میشه که دیگه از حدّ توانمون خارج میشه . حالا گاهی در چنین شرایطی میشنوید که عده ای میگن : خدا باری بیش از حد توانتون بر شما نمیذاره. تا حالا این جمله رو شنیدین ؟ ازتون میخوام که با هم چند لحظه ای به اون فکر کنیم . من گمون میکنم که شما خودتون اونو تعبیر میکنید. گاهی اوقات حتی کسانیکه نیت خوبی دارند ، میگن که این کتاب مقدسیه اماعملاً جملهٔ به خصوصی در کتاب مقدس نیست که بطور خاص اینو بگه ، در واقع من فکر میکنم اکثر مردم فکر میکنند که در چنان شرایطی میتونند به اون جمله اشاره بکنند و با هم بحث میکنند ، که این آیه به چنین وضعیتهائی اشاره میکنه. آیه ای در اول قرنتیان 13:10 هست که میگه : وسوسه هائی که شما با آن روبرو میشوید ، وسوسه هائی است که برای تمام مردم پیش می آید ، اما خدا به وعده های خود وفا می کند و نمی گذارد شما بیش از حد توانائی خود وسوسه شوید . همراه با هر وسوسه ای خداوند راهی هم برای فرار از آن فراهم می کند تا بتوانید در مقابل آن پایداری کنید.

حالا وقتی میخوایم که اون آیه رو بکار ببریم باید در نظر بگیریم که خدا این آیه رو برای چه مواقعی به کاربرده و اینکه ما میتونیم این آیه رو در چه مواردی بکار بگیریم و تا چه حد کتاب مقدسی هست. اخیراً داشتم روی منظور این آیه با یک مسیحی بحث میکردم . حالا مسلماً به لحاظ انسانی شاید کسی اینو به شما بگه که : تو میتونی اونو تحمل کنی ، من میدونم تو قوی هستی . میدونم که جسارت داری و به خوبی از عهدهٔ این بر می آئی . اما این نوع تشویق کردن یقیناً کمکی به کسی نمیکنه . چون حقیقت اینه که هیچ کسی اونقدر قوی نیست تا زیر چنین بارهایی طاقت بیاره که همه چی یکباره بر سر او آوار بشه و او بتونه از عهده اش بر بیاد . هیچ کسی نیست که بتونه در چنین مواقعی مقاومت کنه و بگه که اصلا به خاطر این مسائل وسوسه نشده و نگران نشده .عملاً خیلی چیزها هست که میتونه در زندگی هر کسی اتفاق بیفته . مثلاً بذارید به یک تصادف فکر کنیم . عملاً باید شخص احمق باشه که به کسی که در تصادفی به شدت زخمی شده و تمام بدنش خرد شده بگه نگران نباش همه چی خوب میشه. نگران نباش تو از عهده اش برمیای . خب این هیچ تأثیری نداره . اینطور به نظر میرسه که شما فقط دارید حرف میزنید و این حرف واقعا هیچ کمکی نمیکنه . اما اگه به اون شخص بگید : خدا با تو هست ، او میدونه چه اتفاقی برات افتاده و او اینجاست و هرگز تو رو ترک نمیکنه ، او تو رو حمایت خواهد کرد و از تو مراقبت خواهد کرد به خدا اعتماد کن . این مؤثرتر هست . ببینید همهٔ اینها بر میگرده به معنی همون جمله ، اگه شما سعی کنید به کسی بگید که اونا میتونند قوی باشند ، جسور باشند و میتونند خودشون مشکلشون رو حل کنند . خب این کمک چندانی نمیکنه . اما اگر بگید خدا با تو هست و هرگز تو رو ترک نمیکنه و هر اتفاقی رو که برای تو افتاده میدونه و از تو مراقبت خواهد کرد، او حتی میتونه چیزهای بد رو به چیزهای خوب تبدیل کنه ، خدا چنین خداییه و تو رو دوست داره و در این شرایط حتی وقتی که در مشکلات سختی هستی تو رو خواهد دید و به تو برکت خواهد داد این میتونه باعث تسلی اون شخص

بشه . ببینید همه اش بر میگرده به این که شما چه برداشتی از اون آیه میکنید و اون رو چطور تعبیر میکنید . حالا بیایید به اون آیه از نظر وسوسه فکر کنیم . خدا میگه : شما بیش از حد توانتون وسوسه نخواهید شد . حالا وسوسه هایی هستند که در زمانهای مختلف بر ما می یاند و در چنین مواقعی خدا میگه که او ایمانی فراهم خواهد کرد و اطمینانی چنان قوی که خواهید توانست به او اعتماد کنید و در مقابل وسوسه مقاومت کنید . حالا من غالباً به این فکر میکنم . فرض کنید که دشمنی هست که اسلحه اش رو روی سر شما گذاشته و به شما میگه اگر مسیح رو انکار نکنی ، شلیک خواهم کرد . اما اگر انکار کنی تورو نمیکشم . ذهن شما شروع میکنه به بررسی کردن و با خودتون فکر میکنید که آیا میتونم این شخص رو گول بزنم . خدا میدونه که چی توی قلبمه و چیکار میخوام بکنم . موقعیت های پیچیده ای مثل این زیاد وجود دارند . اگر کسی بیاد و بدون هیچ اشاره ای به مسیحیت و بدون هیچ صداقتی به شما بگه : نگران هیچی نباش هیچ اتفاقی نمیفته ، باید به صداقت او شک بکنید . اما اگر کسی بیاد و به شما بگه : خدا گفته حتی تحت چنین شرایطی وسوسه نشو که منو انکار کنی چونکه اگر مرا بخوانی من روح قدوسم رو خواهم فرستاد و به تو ایمان کافی خواهم داد که قادر باشی در برابر وسوسه مقاومت کنی ، چون خدا به وعده های خود وفا می کند و نمی گذارد شما بیش از حد توانائی خود وسوسه شوید ، خب همهٔ اینها به انگیزهٔ اون شخصی بستگی داره که اینها رو به شما میگه . چیزی که دوست دارم پیشنهاد کنم اینه که اگر میخواهید به کسی دلداری بدید که از بروز حوادث ناگوار در زندگیش رنج میبره، از چیزهایی که هر روزه در زندگیش پیش می یاد و اونقدر سخت و طاقت فرسا هستند که دیگه نمیتونه تحمل کنه و میگه نمیدونم آیا میتونم از پسش بر بیام یا نه ، خب از دیدگاه مسیحی اونموقع باید شروع کنید به او توضیح بدید که خدا در مورد وسوسه چی گفته . اگر این چیزها شما رو وسوسه میکنند که به خدا شک کنید ، وسوسه میکنند که بگید دیگه به خدا ایمان ندارم وسوسه

میشید که محبت خدا رو نسبت به خودتون انکار کنید . اون موقع مشخصه که شما به دعایی برای ایمان قوی تر نیاز دارید . خدا پاسخ خواهد داد . او به شما ایمانی قوی خواهد داد و روح قدوسش رو بر شما خواهد فرستاد . خدا نمیخواد شما طوری وسوسه بشید که منجر به انکار کردن او بشه این بر خلاف ارادهٔ خدا هست . پس او با روح القدس ما رو هدایت میکنه . ما رو رهبری میکنه و ما باید برای چنین زمانهایی آماده باشیم و بدونیم که اینها اتفاقاتی هست که شاید در زندگی ما بیفته . چیزهای بد زیادی در این زندگی وجود داره . اما اگه ما آماده و قوی باشیم و حضور خدا رو بطلبیم او با ما خواهد بود و ما رو هدایت و رهبری خواهد کرد. من فکر میکنم مهمترین چیز اینه که بدونید ، دارید در مورد قدرت خدا صحبت میکنید نه قدرت خودتون. ما در مورد ارادهٔ انسانی صحبت نمیکنیم. اگر چه ما شاید خیلی قوی باشیم اما چیزهای زیادی هستند که در این زندگی بر ما غلبه میکنند و اگرفکر کنیم که میتونیم مقاومت کنیم و نیازی به خدا نداریم این میتونه حماقت محض باشه . چیزی که من اینجا روش تأکید میکنم اینه که وقتی از بودن خدا با ما صحبت میکنیم که به ما قدرت و ایمان کافی میده ، به ما جسارت میده تا تحت هر شرایطی مقاومت کنیم ، باید تصریح کنیم که در مورد عطیهٔ خدا صحبت میکنیم . هدیهٔ خدا که ، ما رو تقویت میکنه و رشد میده . برای یک مسیحی این حماقته که فکر کنه وقتی چنین مسائلی پیش می یاد با قدرت خودش میتونه در مقابل اون مقاومت کنه . ما باید در انتظار کمک خدا باشیم . باید برای دریافت اون آماده باشیم . باید هر روز با خدا راه بریم ، هر روز با خدا صحبت کنیم و هر روز از کلام او تعلیم بگیریم تا زندگی روحانی ما اونقدر قوی بشه که بتونیم با حوادثی که در زندگیمون پیش می یاد مواجه بشیم . پس وقتی یک مسیحی نزد شما می یاد که به شما تسلی بده معمولاً باید بگه ، خدا وعده داده که با شما باشه ،او شما رو ترک نخواهد کرد ،او شما رو حفاظت و حمایت خواهد کرد . او شما رو از هر بدی حفظ خواهد کرد و حتی هر چیز بدی رو به نیکویی بدل خواهد کرد ، این وعدهٔ خدا به شماست چون شما

رو دوست داره پس به خدا اعتماد کن و به سوی او برگرد و در دعاهات او رو بطلب و از او هدایت و نجات بخواه و منتظر او باش. زمان بندی خدا مثل زمان بندی ما نیست . گاهی کاملاً با زمان ما فرق میکنه و باید منتظر او باشیم شاید شما بلافاصله جواب بخواهید . اما یقیناً خدا میدونه برای شما بهتره که چند روزی یا چند هفته ای و یا یکی دوسال صبر کنید . تمامی زمانها در دستان خدا هست و تماماً به او بستگی داره چون شما رو دوست داره . پس ما میتونیم به عنوان مسیحیان به هم قول بدیم که خدا با تو هست . او تورو ترک نمیکنه . مشکلات تو رو میدونه با تو خواهد بود و تور و نجات خواهد داد . تورو تقویت و دلگرم خواهد کرد ، این چیزیه که به ما امید میده و این چیزیه که به ما حتی در اوج شرایط سخت شادی می بخشه . امیدوارم تا حدی این براتون روشن شده باشه . با گفتن چیزهایی مثل این که ، من میدونم تو چقدر قوی هستی و میدونم که میتونی در این شرایط محکم بایستی و مقاومت کنی ، مردم رو گول نزنید ، بلکه به جای اون از حضور خدا از محبت خدا و این که خدا هرگز اونها رو ترک نخواهد کرد و به اونها برکت خواهد داد، صحبت کنید و اونها رو تشویق کنید که به خدا اعتماد کنند ، معنیه تشویق واقعی این هست که به همدیگه بگید خدا همیشه با تو بوده و خواهد بود . او شرایط تو رو میدونه . هرگز نترس ، شک نکن و وسوسه نشو که او رو ترک کنی چون اون تو رو دوست داره و از تو مراقبت میکنه و تو رو هدایت میکنه و برکت میده و تو رو در سخت ترین شرایط و مشکلات جدی میبینه . خدا تورو دوست داره با تو خواهد بود و تو رو برکت خواهد داد .